

اصول حاکم بر اختیارات حاکم اسلامی در توزیع منابع طبیعی

کهر روح الله ملایی / کارشناس ارشد اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره rumol@gmail.com

سیدمحمدکاظم رجایی / دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره smk_rajae@yahoo.com

دریافت: ۹۳/۱۱/۱۱ پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۹

چکیده

حکومت‌ها برای انجام وظایف خود، ثروت‌ها و منابع درآمدزایی در اختیار دارند که منابع طبیعی از جمله آنهاست. حکومت اسلامی نیز بخشی از ثروت و درآمد خود را از طریق منابع طبیعی کسب می‌کند. منابع طبیعی در یک تقسیم‌بندی، به سه بخش کلی تقسیم می‌شود: ۱. انفال که تحت مالکیت حکومت اسلامی قرار دارد؛ ۲. زمین‌های مفتوحة العنوة که اگرچه به عموم مسلمانان تعلق دارد، ولی حاکم اسلامی می‌تواند بر نحوه توزیع و استفاده از آنها دخالت نماید؛ ۳. مباحات عامه که با وجود نداشتن مالک خاص، در صورت تراحم بین استفاده‌کنندگان، حاکم اسلامی بر نحوه توزیع آنها نظارت می‌کند.

حال با توجه به اینکه تصمیم‌گیری درباره بخش عمده‌ای از منابع طبیعی، بر عهده حاکم اسلامی می‌باشد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا اقدامات حاکم اسلامی در تصرف مالکانه، دخالت و یا نظارت بر میزان و نحوه توزیع این ثروت عظیم و درآمدهای حاصل از آن، بدون حد و مرز است یا اینکه اصول و ضوابطی بر آن حاکم است؟ این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی به دنبال «اصول حاکم بر اختیارات حاکم اسلامی در توزیع منابع طبیعی» می‌باشد. نتیجه این نوشتار نشان می‌دهد که اصولی همچون رعایت مصالح مسلمین، عدالت، کارایی و حفظ محیط زیست، تحدیدکننده اختیارات حاکم اسلامی در توزیع منابع طبیعی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: اختیارات حاکم، توزیع منابع طبیعی، عدالت، کارایی، محیط‌زیست.

مقدمه

حکومت‌ها برای انجام وظایف و تأمین هزینه‌های خود، ثروت‌ها و منابع درآمدزایی در اختیار دارند که منابع طبیعی از جمله آنهاست. حکومت اسلامی نیز بخشی از ثروت و درآمد خود را از طریق منابع طبیعی کسب می‌کند. منابع طبیعی، در یک تقسیم‌بندی فقهی، به سه بخش انفال، زمین‌های مفتوحه‌العنوة و مباحات عامه تقسیم می‌شوند که حاکم اسلامی، در هر سه نوع آن، حق تصمیم‌گیری به صورت تصرف مالکانه، دخالت و یا نظارت دارد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که تصمیم‌گیری در مورد میزان و نحوه توزیع این ثروت عظیم و درآمدهای حاصل از آن، از چه اصول و ضوابطی تبعیت می‌کند؟ به عبارت دیگر، اصول حاکم بر اختیارات حاکم اسلامی در توزیع منابع طبیعی کدام‌اند؟ روشن است که پس از تبیین این اصول، می‌توان به سیاست‌گذاری‌هایی اقدام نمود که با مبانی غنی شیعی سازگار باشد.

اهمیت این موضوع، از آنجا ناشی می‌شود که با پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی و استقرار ولی فقیه در مسند حکومت، انجام پژوهش‌هایی جامع پیرامون فقه حکومتی، ضرورتی غیرقابل انکار است. از طرف دیگر، توزیع و واگذاری بخش‌هایی از منابع طبیعی، بخصوص پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی کشور از سوی رهبر معظم انقلاب که طبق آن، جهشی در خصوصی‌سازی منابع دولتی ایجاد شد، یکی از مسائل مبتلا به کشور است و این بر اهمیت بررسی این موضوع می‌افزاید.

بحث منابع طبیعی، به‌طور کلی و بعضاً غیرمرتبط با موضوع این نوشتار، در ضمن برخی از کتب فقهی آمده است. محمد مهدی آصفی در کتاب *ملکیت الارض و*

الثروات الطبيعية فی الفقه الاسلامی، ملکیت زمین و ثروت‌های طبیعی در فقه اسلامی را مورد بحث قرار داده است. وی ادله مالکیت دولت بر اراضی مفتوحه‌العنوة، دلایل مالکیت حکومت (امام) بر اراضی موات از دیدگاه مذاهب مختلف اسلامی، ادله مالکیت خصوصی بر برخی اقسام اراضی و همچنین سایر ثروت‌های طبیعی را در قالب فصول مختلف بررسی کرده است.

سید مهدی صانعی در کتاب *انفال و آثار آن در اسلام*، پس از بیان کلیاتی درباره انفال، مصادیق آن را از نظر شیعه و اهل سنت مورد بحث قرار داده است. همچنین وی نحوه استفاده و توزیع انفال را در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفا به بحث نهشته است. بحث از مشترکات که شامل آب‌ها نیز می‌شود و همچنین آثار انفال، از دیگر مباحثی است که در این کتاب مورد اشاره قرار گرفته است.

حسین مدرسی طباطبائی در کتاب *زمین در فقه اسلامی (۱۳۶۲)*، پس از بیان انواع تقسیمات زمین، به تبیین احکام مالکیت زمین‌های مفتوح‌العنوة می‌پردازد. وی در جلد دوم از کتاب خود، مسئله خراج و مالیات‌های گرفته‌شده از اراضی توسط حکومت را مورد بحث قرار می‌دهد. محمد باقر آشتیانی در کتاب *الاسلام و مالکیت الارضی والانتفاع منها*، به بحث درباره مالکیت زمین‌ها، آب‌ها، معادن و... می‌پردازد.

علی مشکینی در کتاب *المنافع العامة: شرح للکتاب احیاء الموات من الشرايع*، پس از بیان اقسام زمین، به کیفیت احیا پرداخته و احکام ثروت‌های مشترک و معادن ظاهری را بیان می‌کند.

سعید فراهانی فرد در کتاب *اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام (۱۳۸۹)*، با نگاهی تلفیقی از اقتصاد متعارف و فقه، مالکیت منابع طبیعی، روش‌های بهره‌برداری از منابع

منابع طبیعی و توزیع ضروری است. در ادامه، به اختصار مراد از این مفاهیم را تشریح می‌کنیم.

۱. حاکم اسلامی

حاکم که در لغت به معنای حکم‌کننده، قاضی و والی است (معین، ۱۳۸۱، ذیل واژه حاکم؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۸)، در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که از سر قدرت انشای حکم می‌کند؛ یعنی حکم را در عالم اعتبار ایجاد می‌نماید. در اسلام، حاکم بالاصالة خدای متعال است؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (انعام: ۵۷) و در این مورد هیچ اختلافی میان مسلمانان وجود ندارد. به غیر از خداوند، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام و مجتهدان جامع‌الشرایط نیز حاکم هستند، ولی حاکم بودن آنها به ترتیب در طول حاکمیت خداوند قرار دارد (سجادی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۲۴). مقصود ما از حاکم در این نوشتار، فردی است که از حد نصاب شرایط لازم برای رهبری جامعه اسلامی برخوردار باشد. شرایط عمومی یک حاکم عبارت است از: (۱) احاطه علمی به قانون؛ (۲) آشنایی با مصالح مردم؛ (۳) صلاحیت اخلاقی؛ (۴) داشتن عدالت؛ لیکن از دیدگاه اسلام، شرط دیگری هم لازم است و آن اینکه (۵) شخص حاکم باید از طرف خدای متعال اجازه و اذن داشته باشد؛ در غیر این صورت، حکومت او قانونی و مشروع نیست. از تحلیل این شرایط اصلی، شرایطی فرعی نیز به دست می‌آید (ر.ک: مصباح، ۱۳۸۰، ص ۳۹۰-۴۰۷؛ مصباح، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳-۱۹۲).

۲. منابع طبیعی

منابع طبیعی در لغت به چیزهایی اطلاق می‌شود که منشأ و محل پیدایش آنها از طبیعت که مخلوق خداوند است،

طبیعی و ارتباط منابع طبیعی با توسعه پایدار و محیط‌زیست را به بحث گذاشته است. وی همچنین ضمن بررسی بحث عدالت در بهره‌برداری از منابع طبیعی و اصول مفروض در بهره‌برداری منابع طبیعی در اسلام، و این اصول را در سه دسته طبقه‌بندی کرده و در ذیل هر عنوان، مواردی را برشمرده است:

الف. اصول اعتقادی و خداباوری و اعتقاد به عالم آخرت؛ ۲. ارزشمندی دنیا؛ ۳. خلافت و امانت‌داری انسان در روی زمین؛ ۴. کفایت منابع طبیعی و عدم کمیابی بالقوه؛ ۵. عدالت.

ب. اصول فقهی (کاربردی): ۱. قاعده لاضرر؛ ۲. قاعده اتلاف؛ ۳. اصل منع از اختلال نظام؛ ۴. قاعده منع از اسراف و تبذیر؛ ۵. اصل انصاف؛ ۶. اصل حاکمیت دولت؛ ۷. حفظ ترکیب مطلوب دولت و بخش خصوصی.

ج. اصول اخلاقی و ارزشی: ۱. اصل ساده‌زیستی و اصل قناعت؛ ۲. نکوهش حرص و چشم و هم‌چشمی در مصرف؛ ۳. اصل اخوت؛ ۴. رعایت حقوق (قانون‌مندی). وی در نهایت، الگوی مطلوب بهره‌برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام را معرفی می‌کند.

بحث از انواع اراضی و دیگر انواع منابع طبیعی و احکام مربوط به آنها در خلال کتاب‌های فقهی دیگر نیز مورد بحث قرار گرفته است، لکن چنان‌که دیده می‌شود، کمتر به بحث نحوه توزیع منابع طبیعی پرداخته شده است. همچنین اصول حاکم بر اختیارات حاکم اسلامی در توزیع این منابع مورد بحث قرار نگرفته است. امتیاز این نوشتار در آن است که به‌طور خاص به معرفی این اصول می‌پردازد.

مفاهیم پایه در تحلیل اختیارات حاکم اسلامی

پیش از تجزیه و تحلیل اصول حاکم بر اختیارات حاکم اسلامی، تعریف دقیق مفاهیمی همچون حاکم اسلامی،

الف. زمین: زمین مهم‌ترین ثروت طبیعی است و از نظر ملکیت، یا در مالکیت خصوصی است یا عمومی و یا دولتی (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۱-۴۱۴). زمین‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. زمین‌های خراج (مفتوحة العنوة) که خود سه نوع می‌توانند باشند:

الف) زمین‌های آباد بشری هنگام فتح؛

ب) زمین موات هنگام فتح؛

ج) زمین‌های آباد طبیعی هنگام فتح.

۲. زمین مسلمانان؛

۳. اراضی صلح؛

۴. زمین‌های متروکه و مخروبه (اراضی جلاء).

ب. معادن (مواد اولیه): معادن که نقش بسزایی در زندگی اقتصادی بشر دارند، به دو دسته قابل تقسیم هستند:

۱. معادن ظاهری؛ مانند نمک و نفت که ملک عموم است.

۲. معادن باطنی؛ مانند معدن طلا و نقره. در معدن

باطنی اختلاف است که ملک عموم است یا دولت

اسلامی (همان، ص ۴۷۹).

ج. آب‌های طبیعی: آب‌های طبیعی به آب‌های آزاد، مانند دریاها، چشمه‌های طبیعی و آب‌های عمیق که با حفاری به دست می‌آید، تقسیم می‌شود. بخش اول ملک عموم است، ولی در بخش دوم، عامل، حق خاصی پیدا می‌کند که دیگران نمی‌توانند در انتفاع، مزاحم او گردند (همان، ص ۴۹۵-۴۹۸).

د. سایر ثروت‌های طبیعی: از مباحات اصلی (عامه) به‌شمار می‌روند و هرکس با کار مناسب روی آنها حق استفاده و تملک پیدا می‌کند؛ اعم از آنچه از دریاها و رودخانه‌ها به دست می‌آید؛ مانند مروارید، مرجان و ماهی، یا آنچه در هوا و زمین زندگی می‌کند؛ مانند پرندگان، حیوانات و گیاهان، و یا انرژی‌های موجود در

سرچشمه گرفته باشد (ر.ک: معین، ۱۳۸۱، ذیل واژه منبع؛ دهخدا، ۱۳۶۳، ذیل واژه طبیعی). در اصطلاح اقتصادی، از نگاه اکثر اقتصاددانان، منابع طبیعی به مجموعه‌ای از نعمت‌های خدادادی اطلاق می‌شود که در کنار دو عامل دیگر، یعنی سرمایه و نیروی کار، از عوامل اصلی تولید محسوب می‌شوند؛ البته شهید سیدمحمدباقر صدر، بنا به دلایلی، کار و سرمایه را از مؤلفه‌های عوامل اصلی تولید خارج دانسته و فقط طبیعت را به‌عنوان عامل اصلی تولید معرفی می‌کند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۴-۴۱۵).

همچنین در تعاریف دیگری از منابع طبیعی گفته شده است: منابع طبیعی، ثروت و یا کالایی است که به‌طور طبیعی و بدون هیچ کوششی در اختیار بشر قرار دارد (قرباغان، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۵۹) و یا ثروتی است که طبیعت به انسان ارزانی داشته؛ مانند مواد معدنی، حاصل‌خیزی خاک، جنگل، نیروی آب و... (فرهنگ، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۴۲۹). این تعریف در طول تحقیق موردنظر است.

به‌رحال این منابع، غالباً به‌صورت مواد خام، نیازهای انسان را برطرف می‌کند و در یک تقسیم، به دو گروه تجدیدشدنی و تجدیدنشدنی در طبیعت وجود دارد. گروه اول، به‌طور عمده از جانداران تشکیل شده و قابل جایگزینی است؛ مثل محصولات دامی و درختان؛ گروه دوم، موادی هستند که در صورت تمام شدن قابل جبران نیستند یا زمان لازم برای آنها به‌قدری طولانی است که عملاً تجدیدشدنی محسوب نمی‌شوند؛ مانند نفت و گاز. در ادبیات فقهی، از این‌گونه منابع تجدیدنشدنی، معمولاً به‌صورت «مصادرالطبیعة» و یا «ثرواتالطبیعیة» یاد می‌شود. از نگاه فقه شیعی، در یک تقسیم‌بندی کلی، منابع طبیعی را می‌توان به چهار گروه تقسیم نمود که برخی از آنها دارای تقسیمات جزئی‌تری نیز هستند:

بهره‌برداری و تبدیل آنها به کالاها از طریق کار که «ثروت‌های ثانویه» نامیده می‌شود، «توزیع» می‌گویند (بیات، ۱۳۶۹، ص ۲۱۱).

اصول حاکم بر اختیارات حاکم اسلامی در توزیع منابع طبیعی

از بررسی آیات و روایات و دیگر منابع فقه غنی شیعی اصول و معیارهایی به دست می‌آید که بر اختیارات حاکم اسلامی در توزیع منابع طبیعی حاکم است. این معیارها را می‌توان در قالب پنج اصل زیر بیان نمود:

۱. اصل لزوم رعایت مصالح عموم مسلمانان؛
 ۲. اصل برابری در بهره‌مندی از منافع منابع طبیعی؛
 ۳. اصل بهره‌برداری عادلانه؛
 ۴. اصل کارایی؛
 ۵. اصل لزوم حفظ محیط‌زیست.
- در ادامه، به بررسی تحلیلی اصول پنج‌گانه پیشنهادی می‌پردازیم.

۱. اصل لزوم رعایت مصالح عموم مسلمانان

تأمین مصالح و منافع عموم مردم یکی از اهداف تشریح احکام مالی در اسلام است؛ به گونه‌ای که حتی اگر در وضعیت خاصی، گرفتن اصل مالیات یا گرفتن نرخ معینی از آن، به فرایند رشد اقتصادی جامعه آسیب رساند و مردم را دچار مشقت کند، متوقف می‌شود.

در توزیع منابع طبیعی نیز رعایت این اصل همواره باید مدنظر بوده و توزیع این منابع به نحوی باشد که مصالح عموم مسلمانان تأمین شود؛ چراکه وجود ثروتی انبوه با عنوان منابع طبیعی، برای افرادی که امکان دستیابی مستقیم و آسان به آن را دارند، و سوسه‌انگیز بوده و زمینه انحراف را فراهم می‌آورد. بنابراین، لازم است حاکم

طبیعت، همچون نیروی الکتریسیته که با ابزار و انجام عملیاتی قابل انتقال و بهره‌برداری است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۱۳-۶۱۵).

در نگاه اولیه می‌توان گفت: توزیع منابع طبیعی در هر چهار گروه، بر اساس یکی از مالکیت‌های فردی، عمومی و دولتی صورت می‌گیرد؛ لیکن با توجه به اینکه بخشی از منابع طبیعی، مانند انفال و معادن باطنی، مستقیماً تحت مالکیت حاکم اسلامی قرار دارد و برخی، مثل زمین‌های مفتوحه‌العنوة، اگرچه به عموم مسلمین تعلق دارد ولی حاکم اسلامی، فراتر از نظارت، می‌تواند بر نحوه توزیع و استفاده از آنها دخالت نماید؛ و بعضی، همچون مباحات عامه، که با وجود نداشتن مالک خاص، در صورت تراحم بین استفاده‌کنندگان، حاکم اسلامی بر نحوه توزیع آنها نظارت می‌کند، می‌توان ادعا کرد که تصمیم‌گیری در مورد میزان و نحوه توزیع این ثروت عظیم و درآمدهای حاصل از آن، اصولاً بر عهده حاکم اسلامی بوده و او می‌تواند با توجه به وظایف و اهداف نظام اقتصاد اسلامی، در میزان و نحوه توزیع آنها، سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد انجام دهد؛ از همین جا سؤال‌بحث، یعنی اصول حاکم بر اختیارات حاکم اسلامی در توزیع منابع طبیعی، شکل می‌گیرد.

۳. توزیع

واژه «توزیع» از باب تفعیل است و در معنای لغوی عمدتاً به مال نسبت داده می‌شود و به معنای قسمت قسمت کردن و حصه حصه نمودن مطلق آن است (دهخدا، ۱۳۶۳، ذیل واژه توزیع). از نظر معنای اصطلاحی، در نظام اقتصادی اسلام، به تقسیم کردن مواهب و منابع خدادادی و محصولات تولیدشده «توزیع» گفته می‌شود. به عبارت دیگر، به تخصیص و تقسیم‌بندی منابع تولید و ثروت‌های طبیعی که «ثروت اولیه» نامیده می‌شوند و

اسلامی، در عین پابندی دقیق و همه‌سویه به معیارها و آیین‌های اسلامی، در تمامی قانون‌گذاری‌ها درباره نحوه استفاده از منابع، مصلحت اسلام و مسلمانان را مورد دقت نظر قرار دهد و کلیه سیاست‌ها تأمین‌کننده مصلحت نظام و عامه مردم باشد.

الف) تأکید امیر مؤمنان علیه السلام بر رعایت مصالح عموم: رعایت مصلحت عموم مردم در مقابل مصالح افراد خاص، در کلام امیر مؤمنان علیه السلام نیز مورد اشاره می‌باشد. ایشان در نامه خود به مالک اشتر می‌فرمایند: «باید دوست‌داشتنی‌ترین کار نزد تو میانه آنها در حق باشد و فراخ‌ترین آن در عدل و جامع‌ترین آن برای خشنودی عمومی؛ چراکه ناخشنودی عمومی، خشنودی خواص را بی‌اثر ساخته و خشم خواص با خشنودی همگانی بخشیده است. همانا پشتیبان دین و موجب انبوهی مسلمانان و آمادگی پیکار با دشمن، عامه مردمانند. پس باید گرایش تو به آنان و میل تو به سوی ایشان باشد» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳).

ب) نفی حمی؛ دلیلی بر رعایت مصالح عموم: یکی از احکامی که بیانگر اهمیت رعایت مصالح عموم مسلمانان در مقابل مصالح عده‌ای خاص می‌باشد، لغو امتیازات ناشی از حمی در بهره‌مندی از منابع طبیعی است. «حمی» نزد عرب مفهومی قدیمی دارد و به قسمت‌های وسیعی از زمین‌های موات اطلاق می‌گردد که اقویاً آن را به نفع خود مصادره نموده و دیگران را از مداخله و استفاده باز داشته‌اند و تمام ثروت‌های موجود در آنها را به اتکای سلطه و قدرت، ملک خاص خویش می‌دانند (صدر،

۱۴۱۷ق، ص ۴۹۲). مردم در زمان جاهلیت وقتی به مکان‌های سرسبز و خرمی در دامنه کوه‌ها و یا دشت‌ها می‌رسیدند، کلبه‌ای در آنجا بنا کرده، تمام زمین‌های اطراف را تا جایی که صدای سگشان می‌رسید و در حدود پاسداری سگشان بود از آن خود می‌دانستند؛ از این رو، این قبیل زمین‌ها را حمی نامیده‌اند (آقائظری و گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۳۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تمامی این‌گونه حریم‌ها را لغو نموده و عموم مردم را در استفاده از مواهب طبیعت برابر هم قرار داده است، مگر در مواردی که امام مسلمین بر اساس مصالح، حریم منطقه‌ای را به دولت و یا افراد خاصی تخصیص داده باشد (ر.ک: فاضل هندی، ۱۳۷۶، ص ۶۰).

شهید صدر نیز از آنجاکه حقوق خصوصی ادعایی از حمی را نه بر اساس کار، بلکه بر غلبه و سیطره مبتنی می‌داند، جایز نبودن و رسمیت نداشتن آن از دیدگاه اسلام را بدیهی می‌شمارد (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۴۹۳).

ج) منع از اختلال نظام؛ قرین اصل رعایت مصالح عموم: در کنار اصل رعایت مصالح عموم مسلمین در واگذاری منابع طبیعی، قاعده دیگری با عنوان «منع از اختلال نظام» وجود دارد. این قاعده که با عناوین دیگری همچون «وجوب حفظ نظام» و یا «نهی از اختلال نظام» نیز شناخته می‌شود، مورد اتفاق فقیهان بوده و در موارد متعددی از مباحث فقهی مورد استناد آنان قرار گرفته است؛ از جمله امام خمینی ره می‌فرمایند: «... همانا حفظ نظام از واجبات موکد و اختلال در امور مسلمانان از امور مبعوض و ناپسند است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۶).

بر اساس این قاعده، هر سیاست یا فعالیتی که انجام یا ترک آن به مختل شدن نظم جامعه بینجامد، حرام و ممنوع است؛ برای مثال، با اینکه بهره‌برداری از مشترکات و مباحث در نظام اقتصادی اسلام مجاز شمرده شده، هرگاه

سودی ندارد (ر.ک: نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۵) و اگر از شخصیت تقوایی انسان‌ها صرف‌نظر شود همه آنها علی‌رغم تمامی تفاوت‌ها و اختلاف‌هایشان برابرند. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است: «أَصْلُ الْمَرْءِ دِينُهُ وَ حَسَبُهُ خُلُقُهُ وَ كَرَمُهُ تَقْوَاهُ وَ إِنَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ شَرَعُ سَوَاءً» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۰، ص ۲۹۳).

فرایند توزیع منابع طبیعی نباید به گونه‌ای باشد که عده‌ای خاص، بدون جهت از منابع بیشتری بهره‌برند و عده‌ای دیگر، علی‌رغم شایستگی از آن بهره‌ای نداشته باشند. اسلام امتیازطلبی‌های مبتنی بر ثروت و قدرت را محکوم می‌کند (سبأ: ۳۶-۳۷) و برای خصایص نژادی نقشی در تقسیم حقوق مردم قایل نمی‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۰۷) و حقوق و وظایف را متلازم و متساوی در مورد همه تعمیم می‌دهد (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خ ۲۱۶) و به زمام‌داران و دولت‌مردان دستور می‌دهد که همه را در برابر حق یکسان ببینند (همان، نامه ۵۹) و اعلان شعار مساوات را در جامعه لازم می‌شمارد (همان، نامه ۷۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۰).

در جامعه اسلامی اولویت و برتری برای فرد و گروهی نسبت به دیگران نیست. همه در به دست آوردن حقیقتان برابرند (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۰) و نمی‌توان مواهب الهی را در انحصار کسی یا گروهی قرار داد (همان، نامه ۵۴) و بی‌تردید، چنین کاری موجب تضییع حق سایرین است (عمیدزنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۴۹).

البته باید توجه داشت این مطلب به عنوان اصل اولی و یک قاعده بنیادین در اسلام مطرح است و در کنار آن ممکن است کسانی براساس معیارها و مسبباتی از امتیازهای ثانویه برخوردار شوند که در این صورت، مادامی که این معیارها با آن اصول اولیه در تعارض و تضاد نباشند می‌توانند مورد تأیید و امضای شرع نیز قرار

بر اثر کثرت استفاده از این منابع، آن منبع مشترک از بین برود و یا آسیب جدی ببیند و در نتیجه، بهره‌برداری از آن مختل شود، این آزادی مشروع محدود می‌شود (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۹، ص ۲۶۶).

۲. اصل برابری در بهره‌مندی از منابع طبیعی

دومین اصلی را که در توزیع منابع طبیعی باید موردنظر حاکم اسلامی باشد می‌توان برابری همه مردم در بهره‌برداری از منابع طبیعی یا منافع آن دانست. اصل مساوات و برابری از خصوصیات نظام اجتماعی اسلام است و سایر ادیان و مکتب‌های فلسفی، در حد اسلام برای برابری انسان ارزش اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی قایل نشده‌اند. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: مردمان، مانند دندان‌های شانه، با یکدیگر برابرند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۵، ص ۲۵۱). این برابری از بینش اسلام در شناخت شخصیت، ارزش‌های والای انسان و خصایص مشترک انسانی نشئت گرفته است.

در نگاه قرآن، همه افراد انسان از هر نژاد و با هر نوع خصیصه مادی و معنوی، از دو انسان مرد و زن آفریده شده و نخستین مرد و زن که پدر و مادر همه انسان‌ها هستند از نوع و طبیعت مشابه آفریده شده‌اند (نساء: ۱). طبق نگرش اسلام، هیچ‌گونه تفاوتی جز «تقوا» نمی‌تواند معیار تبعیض و نابرابری تلقی گردد؛ نابرابری و تمایز بر اساس تقوا نیز نه عامل تبعیض در برابر قانون، بلکه معیاری در تقسیم وظایف و وسیله‌ای برای نیل به اهداف عالی‌انسانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى» (همان، ج ۷۳، ص ۳۵۰). طبق این دیدگاه، شخصیت اضافی و اعتباری بدون شخصیت ذاتی

گیرند، منتها اگر با جهت‌گیری کلی اسلام مخالف بودند مردود می‌باشند. منشأ استحقاق بودن کار، از این مقوله می‌باشد که طبق اصل ثانوی غیرمعارض با اصول اولیه، مورد پذیرش اسلام قرار گرفته است.

در اینجا نیز می‌توان به ادله نفی حمی استناد کرد و آن را دلیل دیگری بر برابری افراد واجد شرایط در بهره‌مندی از منافع منابع طبیعی دانست.

۳. اصل بهره‌برداری عادلانه

از مهم‌ترین اصول حاکم بر نحوه توزیع منابع طبیعی و انفال، تأمین عدالت اقتصادی است. اهمیت برپایی عدالت به قدری است که خداوند آن را هدف اصلی ارسال پیامبران و کتب آسمانی و تبیین احکام معرفی می‌کند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵). آیات دیگری مثل آیه ۱۳۵ سوره «نساء» و آیه ۱۵ سوره «شوری» نیز نشان‌دهنده اهمیت عدالت است.

اندیشمندان مسلمان برای مفهوم عدالت تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند که در برخی ابعاد همپوشانی دارند. در تحقیق حاضر، عدالت به معنای «برابری و تساوی بین واجدین شرایط» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۱). به عبارت دیگر، منظور از تساوی، رعایت برابری در زمینه استحقاق‌های مساوی و همچنین ایجاد شرایط برای همه به‌طور یکسان و رفع موانع برای همه به‌صورت یکسان است. این معنا را می‌توان به استحقاق و اعطای هر حقی به صاحب آن، ارجاع داد (مطهری، ۱۴۰۳ق، ص ۱۵۶-۱۵۷). معانی دیگری نیز برای عدل ذکر شده است.

با توجه به تعریف عدالت و توزیع، می‌توان در تبیین مفهوم عدالت در توزیع عوامل و ثروت‌های طبیعی گفت: توزیعی عادلانه است که طبق آن، هرکدام از ثروت‌های

اولیه و ثانویه به گونه‌ای در جایگاه حقیقی خود دیده شوند (بیات، ۱۳۶۹، ص ۲۱۱). در این وضعیت، تمام کسانی که واجد شرایط استفاده از منابع طبیعی می‌باشند، یعنی استحقاق استفاده از آن را دارند، با هم برابری و تفاوتی میان آنها گذاشته نمی‌شود. به عبارت دیگر، توزیع عوامل و ثروت‌های طبیعی هنگامی عادلانه خواهد بود که تمام کسانی که شرایط استفاده از منابع طبیعی را دارند، در حق بهره‌برداری و استفاده از آن برابر باشند.

عدالت ابعاد حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد که یکی از آنها عدالت در توزیع و بهره‌برداری منابع طبیعی و مواهب الهی، برای نسل فعلی و نسل‌های آینده و بخصوص اقشار آسیب‌پذیر است.

الف) عدالت و قسط در توزیع اولیه منابع طبیعی بین نسل حاضر: اصل عدالت اجتماعی در توزیع ثروت‌های اولیه (منابع مادی و طبیعی و نیز درآمدهای حاصل از آن)، در میان افراد جامعه، از جمله اصول مهم حاکم بر اختیارات ولی فقیه در مکتب اقتصادی اسلام شمرده می‌شود. به عبارت دیگر، از دیدگاه اسلام، توزیع ثروت توسط حاکم در هر دو مرحله قبل از تولید و بعد از تولید باید به گونه‌ای باشد که ضمن برآوردن نیازهای فرد، تأمین‌کننده رشد معنوی و انسانی او باشد (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۱-۴۱۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۱۰-۶۱۳). نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی، عمده توجهشان به توزیع پس از تولید، یعنی توزیع درآمد است؛ درحالی‌که اسلام، به توزیع پیش از تولید، یعنی توزیع منابع طبیعی نیز توجه دارد (خسروپناه، ۱۳۸۱، ص ۲۸).

برقراری عدالت و قسط در جامعه بستگی به ارائه راه‌حل مناسبی در مورد نحوه توزیع دارد. مکتب اسلام از یک سو، اهداف صحیحی را برای تأمین عدالت اجتماعی

قراردادهای ظالمانه سعی بر صدور صنایع آلوده‌ساز و حتی زباله‌های خطرناک صنعتی به کشورهای فقیر دارند و وضعیت زندگی را به‌ویژه برای مستضعفان بحرانی‌تر می‌سازند (ر.ک: سیدامامی، ۱۳۸۹، ص ۸۶).

ب) رعایت حقوق نسل‌های آینده: از ثمرات رعایت عدالت در توزیع منابع طبیعی، رعایت حقوق نسل‌های آینده می‌باشد. در واقع، بهره‌برداری بهینه، کارا و درست از منابع طبیعی هر کشور، علاوه بر آنکه نقش مهمی در توسعه و رفاه آن کشور دارد، موجب بهره‌مندی نسل‌های آینده از آن منابع خواهد شد؛ و در مقابل، بهره‌برداری نادرست از این منابع سبب تخریب آنها و محرومیت نسل‌های آینده از این نعمت‌های خدادادی می‌شود. رعایت این حقوق لازمه برپایی عدالت نیز می‌باشد؛ بدین معنا که در توزیع منابع طبیعی لازم است عدالت بین نسلی رعایت شود. برای اثبات این امر، به دلایلی تمسک شده است (ر.ک: فراهانی‌فرد، ۱۳۸۹، ص ۲۴۶-۲۵۱) که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. خطاب‌های عام قرآن مبنی بر اینکه آنچه در آسمان‌ها و زمین و بین آنهاست برای مردم آفریده شده و مسخر و فرمان‌بردار آنها قرار داده شده است. برای نمونه می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُوكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ﴾ (ابراهیم: ۳۲)؛ خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و به‌وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را برای شما مسخر کرد. همچنین آیه ۲۵ سوره «حدید» ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ﴾، آیه ۶۵ سوره «حج» ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ﴾ و آیه ۲۰ سوره «لقمان»

ترسیم کرده که از جمله آنها جلوگیری از تجمع و انباشت ثروت یا درآمد در دست عده‌ای معدود است، و از سوی دیگر، برای رسیدن به چنین اهدافی اقدامات و برنامه‌ریزی مؤثری را پیاده می‌کند. بخشی از این برنامه‌ها مربوط به نحوه توزیع منابع طبیعی است. از این رو، حکومت اسلامی باید عدالت را یکی از ارکان تصمیم‌گیری‌ها در مورد توزیع اولیه منابع طبیعی قرار دهد.

در توزیع اولیه منابع طبیعی از دیدگاه اسلام، درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، یعنی اعتبارات کلان ملی در نقطه آغازین، عادلانه تقسیم شده و در واقع، از توزیع فقر در بخش عظیمی از مردم و طبقاتی شدن جامعه جلوگیری می‌شود. قرآن در چندین آیه، دست به دست شدن سرمایه‌های مشترک در دست اقلیت سرمایه‌دار و طبقه حاکم را مردود دانسته است: «تا تا (اموال) میان ثروتمندان شما به گردش در نیاید» (حشر: ۷) و «و اموال یکدیگر را ناروا تصرف نکنید و به باطل به دولت‌مردان نرسانید تا گروهی اموال مردم را بخورند» (بقره: ۱۸۸). در همین زمینه، امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره تفاوت شیوه حکمرانی‌اش با حکام پیشین فرمودند: «من بیت‌المال و دارایی‌های عمومی را مانند حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تساوی تقسیم کردم و آن را در دستان طبقه ثروتمند به چرخش درنیاوردم» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۶۰). بهره‌برداری از منابع طبیعی و توزیع درآمدهای حاصله از این منابع در سطح ملی و بین‌المللی عادلانه نیست و نه تنها طبقات محروم و همچنین ملت‌های در حال توسعه، سهم چندانی در برداشت و استخراج منابع طبیعی ندارند، بلکه از پیامد دخالت‌های ناروا و حریصانه طبقات مرفه و کشورهای صنعتی در طبیعت و آلودگی‌هایی که آنها ایجاد می‌کنند به شدت رنج می‌برند. کشورهای صنعتی هر روز با اعمال تدابیر حقوقی و انعقاد

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ و آیه ۱۰ سورة «رحمن» ﴿وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾ از این دسته‌اند. همان‌گونه که نزول قرآن برای همهٔ زمان‌ها و مکان‌هاست، از این رو، چنین آیاتی می‌توانند بر این دلالت داشته باشند که نعمت‌های خداوند اختصاص به افراد خاص، گروه‌های خاص و حتی مردم زمان و مکان خاصی ندارند، بلکه همهٔ مردم در بهره‌برداری از آنها شریک‌اند.

۲. در برخی از روایات به حق نسل‌های آینده در استفاده از اراضی مفتوحة العنوة - یعنی زمین‌هایی که با جنگ به تصرف مسلمانان درآمده باشد - تصریح شده است. برای نمونه، در روایتی از امام صادق علیه السلام دربارهٔ زمین‌های عراق سؤال شد؛ امام در پاسخ فرمود: «این زمین‌ها از آن همهٔ مسلمانان است، اعم از کسانی که امروز مسلمان هستند و کسانی که پس از این داخل اسلام می‌شوند و نیز کسانی که هنوز آفریده نشده‌اند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۴۷).

با توجه به ادلهٔ فوق، می‌توان نتیجه گرفت که نسل‌های بعد هم همانند تمام مردم نسل فعلی، در استفاده از منابع طبیعی شریک‌اند. از این رو، بر حکومت لازم است حقوق آنها را در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ نماید.

علاوه بر اینها، منابع طبیعی، از دیدگاه اصولی و به خاطر ماهیت وجودی‌اش به تمام انسان‌ها و به تمام نسل‌ها به یک اندازه تعلق دارد؛ سرمایه‌ای است که باید هر نسلی بدون دست‌درازی به اصل سرمایه از آن برخوردار شود.

نمونه‌ای از نتایج عدم رعایت حقوق نسل‌های آینده، در مسئلهٔ وقف روشن می‌شود. در گذشته، مالکان برخی زمین‌های وسیع، به دلیل عدم نیاز و بی‌مصرف بودن زمین‌ها، بدون در نظر گرفتن حقوق آیندگان، اقدام به

وقف خاص این زمین‌ها کرده‌اند؛ ولی با گذشت زمان، علی‌رغم نیاز به آن زمین‌ها، به دلیل شرایطی که واقفان برای استفاده از زمین قرارداد کرده‌اند، بهره‌برداری از آنها با عسر و حرج انجام می‌گیرد. این در حالی است که اگر حکومت‌ها با فرهنگ‌سازی و نظارت، واقفان را جهت‌دهی کنند، کمتر با چنین مشکلاتی روبه‌رو خواهیم بود. از دیگر نمونه‌های وجوب رعایت حقوق آینده در توزیع منابع طبیعی، حفظ و بهینه‌سازی استفاده از جنگل‌ها، منابع انرژی بازگشت‌ناپذیر، منابع آبی، مراتع و زمین‌های مناسب کشاورزی است.

ج) حمایت از طبقات آسیب‌پذیر: شکی نیست که ثروت و قدرت میزان دسترسی افراد به منابع طبیعی و میراث مشترک را افزایش می‌دهد. درحالی‌که طبقات محروم امکانات و نفوذ لازم برای دریافت مجوزهای بهره‌برداری از این منابع را ندارند، عده‌ای به راحتی هر مجوزی را که بخواهند به سهولت به دست می‌آورند. قرآن کریم و فقه مبتنی بر آن، فقرا و محرومان را شریک در اموال توانمندان می‌داند: «آنان که در اموالشان حقی معین برای فقرا و محرومین است» (معراج: ۲۴). بنا بر نظر قرآن، جامعه‌ای که نسبت به اقشار آسیب‌پذیر بی‌تفاوت، و دارایی‌ها و ثروتش فقط در دست یک طبقه باشد، به سعادت نخواهد رسید (بقره: ۱۷۷).

چنانچه اخذ بیست درصد درآمد حاصله از معادن و منابع طبیعی زیر نظر مقامی صلاحیت‌دار در سطح ملی و جهانی طراحی شود، راه مناسبی برای حل مشکل فقر و محرومیت و نیازهای عمومی جامعه خواهد بود (سیدامامی، ۱۳۸۹، ص ۸۸).

۴. اصل کارایی

مبحث کارایی در اقتصاد متعارف، به‌عنوان معیاری برای

یکی از اهداف تمام نظام‌های اقتصادی تخصیص منابع به صورت کاراست؛ بنابراین، دولت اسلامی وظیفه دارد از طریق اعمال سیاست‌های مناسب، منابع را به سمت مناطقی که فعالیت اقتصادی در آنها برای تولید کالاهای ضروری و نیز ایجاد اشتغال دارای صرفه اقتصادی بیشتری است، سوق دهد. از طرفی، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، حکومت اسلامی موظف به اجرای عدالت در توزیع منابع طبیعی است. در نتیجه، لازم است در تخصیص منابع هر دو مؤلفه عدالت و کارایی مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، تخصیص منابع به صورت عادلانه در مناطق مختلف و با لحاظ کارایی صورت گیرد.

اهمیت کارایی به قدری است که وقتی یهودیان خیبر، در مقابل تصمیم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر اخراج آنها از زمین‌هایشان، استدلال کردند که ما در کاشتن و آباد کردن این زمین‌ها کارآمدتریم، حضرت با ماندن آنها موافقت کرد و زمین‌ها را با قراردادهای مزارعه و مساقات در اختیارشان قرار داد (قلیچ، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶).

زمین‌هایی که مالکان آن به میل خود اسلام آورده‌اند تا هنگامی که آن را آباد نگه دارند متعلق به خود آنان است و در این مورد اختلاف نظری نیست. لیکن اگر در آبادانی آن کوتاهی کرده و از آن استفاده نکنند، بنا بر نظر عده‌ای از فقها، به ملکیت مشترک همه مسلمانان در خواهد آمد و اختیارات در مورد آن مانند همه املاک عمومی جامعه اسلامی با امام خواهد بود (ر.ک: مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۹۴). این نظر مبتنی است بر روایتی از امامان که در آن گفته می‌شود: «زمین‌هایی که اهالی آن به میل خود مسلمان شده بودند، اگر آن را آباد نگاه ندارند، امام آن را گرفته و به کسانی که به آبادانی آن اهتمام خواهند نمود، واگذار می‌کند و چنین زمین‌هایی ملک مسلمانان است» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۱۳).

سنجش عملکرد اقتصادی تلقی می‌شود. بهره‌برداری بهینه و کارا، در یک تعریف خلاصه به معنای بیشترین بهره‌برداری از کم‌ترین منابع است و لازم است تا حکومت، این اصل را در مدیریت منابع طبیعی مورد توجه قرار دهد (عرفانی، ۱۳۸۹، ص ۶۳).

کارایی در بهره‌برداری و تخصیص منابع تولید به معنای صرف حداقل هزینه برای تولید هر میزان معین تولید است و این مستلزم آن است که اولاً، از ضایعات و سطح اندک کارایی فناورانه اجتناب شود و ثانیاً، برای دستیابی به فرایند تولیدی با کمترین هزینه، داده‌ها با مناسب‌ترین قیمت انتخاب گردند. از این رو، کارایی اقتصادی هنگامی وجود دارد که تخصیص منابع تولید به نحوی انجام گرفته باشد که با تغییر آن امکان بهتر کردن وضع یک نفر، بدون بدتر کردن وضع دیگری، وجود نداشته باشد. در صورت وجود چنین امکانی، می‌توان گفت که تخصیص منابع تولید هنوز با «اتلاف رفاه» همراه است. این ضابطه تخصیص کارآمد منابع نخستین بار توسط پارتو عنوان شد و از این رو، به «ضابطه پارتو» شهرت یافته است (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳، ص ۵۷۵).

در مفهوم کارایی، اجتناب از ضایعات مورد اشاره قرار گرفته است. این امر در روایات متعددی از ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز مورد تأکید می‌باشد. روایاتی که مسلمانان را به پرهیز از اسراف دعوت می‌کنند می‌توانند ناظر بر این مطلب باشند. بنابراین، در توزیع منابع طبیعی باید توجه داشت که این منابع به دست افرادی نیفتند که آن را تزیین کنند.

در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «مَا أَبَالِي إِلَيَّ مَنِ اثْتَمَنَتْ حَائِنًا أَوْ مُضَيِّعًا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۵۰۳)؛ برای من تفاوتی ندارد که به فرد خائن اعتماد کنم یا به فرد ضایع‌کننده اموال. در این روایت، تزیین اموال در حکم خیانت به‌شمار رفته و از آن نهی شده است.

می شود که ارزش حال سود نهایی در هر دوره را با قیمت سایه‌ای منبع برابر سازد (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص ۲۶۷). یکی از مسائل مهم در استفاده از نعمت‌های الهی و منابع طبیعی، قدرشناسی نعمت است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «کامیاب‌ترین مردم در مورد نعمت‌ها کسی است که نعمت‌های موجود را با شکرگزاری پایدار سازد و نعمت‌های ازدست‌رفته را با شکیبایی بازگرداند» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۰۳۸۰).

قدرشناسی از نعمت، موجب گشادگی روزی و عامل رشد اقتصادی است و بی توجهی به آن، فقر و ناامنی را در پی دارد. قرآن کریم در این باره می فرماید: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ (ابراهیم: ۷)؛ اگر سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی کنید به یقین عذاب من سخت تر خواهد بود.

اگر تنها به استفاده ابتدایی از نعمت‌های الهی بسنده شود و مسخر بودن موجودات برای انسان‌ها نادیده گرفته شود و از مخلوقات الهی به طور شایسته استفاده نشود، [انسان] کفران نعمت کرده، شامل آیات ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ﴾ (ابراهیم: ۲۸) و ﴿وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾ (ابراهیم: ۳۴) خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۳۲).

۵. اصل لزوم حفظ محیط زیست

امروزه تلاش جوامع برای افزایش رشد اقتصادی و بالا بردن تولید ناخالص داخلی، آثار زیان‌باری بر منابع طبیعی وارد کرده و موجودیت و استمرار آنها را با خطر مواجه ساخته است؛ چراکه اولاً افزایش تولید ناخالص داخلی، مستلزم تولید بیشتر و به نوبه خود مستلزم استفاده از نهاده‌های بیشتر است و بنابراین، منابع طبیعی در اثر رشد

همه این دستورات، در واقع به ضرورت استفاده بهینه از اموال مسلمانان دلالت دارند که نباید تلف شوند و از ایجاد آثار مفید بازداشته شوند. بنابراین، نگرش اسلامی مؤید معیار کارایی اقتصادی است (عیوضلو، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷ و ۱۶۸).

بر اساس شریعت اسلام، معیار اصلی در استخراج و بهره‌برداری از منابع و اموال عمومی (و بلکه در خصوص سایر اموال که شخصی است) بهره‌برداری عاقلانه از آنهاست.

در آیه ۵ سورة «نساء» آمده است: ﴿وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَ آرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَ آكُسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾؛ اموالتان را که خداوند سبب قوام (برپایی و استواری) زندگی شما قرار داده است، به دست کم‌خردان و ناهلان نسپارید، ولی از آن هزینه و لباسشان دهید و با آنان سخن به نیکی گوید. «قوام» به معنای «ما يقوم به الشیء» است؛ یعنی آنچه مایه ایستادگی و سبب پایداری و استواری و سامان‌یابی می باشد.

به‌طور قطع، بهره‌برداری عاقلانه و در موضع قوام از منابع طبیعی، بهره‌برداری‌ای است که در موضع مناسب و در بهترین موقعیت ممکن و برای رسیدن به تمام آثار مفید آنها انجام گیرد. چنین بهره‌برداری‌ای می‌تواند معادل «کارایی فنی و تخصصی» در ادبیات اقتصادی باشد (عیوضلو، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷-۱۶۸) که معیاری واقعی و قابل سنجش و محاسبه است. به عبارت دیگر، بهره‌برداری مشروع از اموال بر اساس این شرط است که موجبات قوام اقتصادی جامعه را فراهم سازد. تشخیص موضع قوام بر عهده اهل فن است؛ برای مثال، موضع قوام و کارا در بهره‌برداری از یک منبع پایان‌پذیر نظیر نفت، به عنوان مصداقی از انفعال، در حدی از استخراج تعریف

كُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا بِعَشْرِ حَسَنَاتٍ» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۲، ص ۵۰)؛ هر کس از راه مسلمانان، چیزی را که باعث رنجش رهگذران است برطرف کند خداوند اجر خواندن ۴۰۰ آیه از قرآن برای او ثبت می‌کند. در روایت دیگری از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: سه گروه‌اند که در اثر کار خود مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند: کسانی که اماکن عمومی، سایه‌بان‌ها و محل پیاده شدن مسافران را آلوده کنند؛ کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند و کسانی که سد معبر کرده و مانع عبور عابران شوند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۶).

از تأکیدات فراوان اسلام نسبت به حفظ محیط‌زیست می‌توان نتیجه گرفت که هر حرکت و فعالیتی که منجر به تهدید و به خطر افتادن سلامت محیط‌زیست شود، مورد مذمت قرار گرفته است. از طرفی، چون بیشترین آسیب‌ها به محیط‌زیست، از بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی، به‌ویژه منابع پایان‌پذیر نشئت می‌گیرد و در اسلام، مالکیت بخش عمده‌ای از آنها به دولت داده شده است، بنابراین، حکومت اسلامی باید به‌گونه‌ای اقدام به سیاست‌گذاری در زمینه توزیع منابع طبیعی کند که با سلامت محیط‌زیست متناسب باشد. برای مثال، اگر از آب‌های جاری استفاده‌کارا نشود و مجاری تنفسی محیط‌زیست با تخریب جنگل‌ها و مراتع بسته شود، به معنای استفاده در موضع غیر حق از منابع اقتصادی جامعه است و به تعبیر اقتصادی، استفاده غیرعادلانه و سفیهانه از اموال تلقی می‌شود و اقتصاد را از موضع قوام آن خارج می‌کند که خداوند کریم ما را از آن نهی کرده است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به بررسی اصول حاکم بر اختیارات حاکم اسلامی در توزیع منابع طبیعی را در نظام اسلامی

مداوم تولید و مصرف، کاهش خواهند یافت. ثانیاً، افزایش تولید، ضایعات و پسماندهای بیشتری را به همراه داشته و موجب فشار بیش از حد به ظرفیت جذب ضایعات طبیعت می‌گردد (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۹، ص ۱۸). بنابراین، اغلب اقتصاددانان به دنبال بهره‌برداری مدیریت‌شده از منابع طبیعی می‌باشند، به‌گونه‌ای که ضمن حفظ پایداری این منابع و به حداکثر رساندن منافع آنها، تا جایی که ممکن است از آلوده‌سازی محیط نیز احتراز شود. در نظام اقتصادی اسلام، با وجود اینکه بر اساس تصریح قرآن همه چیز برای انسان و در خدمت انسان قرار داده شده است، دیگر موجودات نیز محترم بوده و رعایت حقوق آنان بر انسان لازم است؛ به‌علاوه، حتی اگر بخواهیم این منابع به‌عنوان نعمت خدادادی برای انسان باقی بماند، نوع نگاه و نیز برخورد ما با این منابع تفاوت خواهد کرد (ر.ک: فراهانی‌فرد، ۱۳۸۷). از سویی، داشتن محیط‌زیست سالم یکی از مؤلفه‌های برقراری رفاه در جامعه به‌شمار می‌رود. از این رو، توزیع منابع طبیعی باید به‌گونه‌ای باشد که موجب از بین رفتن محیط‌زیست نشود و این می‌تواند به‌عنوان معیاری برای توزیع عادلانه منابع طبیعی در اسلام قلمداد شود؛ بنابراین، حکومت اسلامی موظف است با هر فعالیتی که به‌گونه‌ای رفاه عمومی را مختل می‌سازد، برخورد کند (ر.ک: صادقی و فراهانی‌فرد، ۱۳۸۲، ص ۴۴). حفاظت و حمایت از محیط‌زیست و گونه‌های مختلف نباتی و حیوانی آن، مورد تأکید فراوان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز هست. در روایات فراوانی به حفظ راه‌ها، آب‌ها و سایر اماکن عمومی توجه داده شده و ضمن نهی از هرگونه آسیب‌رساندن به این ثروت‌ها، از کسانی که در این راه تلاش می‌کنند، تمجید شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ أَمَّا طَعْنَ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُؤْذِيهِمْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ قِرَاءَةِ أَرْبَعِمِائَةِ آيَةٍ

و بهینه به معنای بیشترین بهره‌برداری از کم‌ترین منابع است. ۸. در راستای اصل کارایی در بهره‌برداری از منابع طبیعی، در شرایطی که مسلمانان نتوانند به صورت کارا از منابعی استفاده نمایند، حاکم اسلامی می‌تواند از غیرمسلمانان برای بهره‌برداری از آنها استفاده کند؛ کاری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از فتح خیبر با زمین‌های یهودیان کرد و آنها را با قرارداد مزارعه و مساقات در اختیار خود یهودیان قرار داد.

۱۰. پنجمین و آخرین اصل مطرح شده در این مقاله برای توزیع منابع طبیعی حفظ محیط‌زیست است که امروزه بسیاری از کشورها در تلاش برای حفظ و احیای آن هستند و در کلام معصومان علیهم السلام نیز مواردی از امر به حفظ منابع عمومی مشاهده می‌شود.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، قم، مؤسسه نهج البلاغه.
 آشتیانی، محمدباقر، ۱۳۶۰، *الاسلام و مالکية الارضی والانتفاع منها*، تهران، مکتبه چهل ستون العامة مدرستها.
 آصفی، محمد مهدی، ۱۴۱۳ق، *ملکية الارض و الثروات الطبيعية فی الفقه الاسلامی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
 آقائری، حسن و محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۲، *نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
 بیات، اسدالله، ۱۳۶۹، *نظام اقتصادی اسلام*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
 تقوی، محمدناصر، ۱۳۷۸، *حکومت و مصلحت*، تهران، امیرکبیر.
 جوادی آملی، عبداللّه، ۱۳۸۶، *اسلام و محیط‌زیست*، قم، اسراء.
 حرّعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
 خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۱، «انتظار بشر از دین در عرصه اقتصاد»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۸، ص ۳۶-۱۹.
 دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۶۳، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*،

پرداختیم؛ اصولی که حکومت اسلامی در برنامه‌ریزی برای استفاده از منابع طبیعی تمام آنها را باید مدنظر داشته باشد. یافته‌های این مقاله را می‌توان در چند بند زیر خلاصه نمود:

۱. تصمیم‌گیری در مورد میزان و نحوه توزیع منابع طبیعی در انواع خود و درآمدهای حاصل از آن، اصولاً بر عهده حاکم اسلامی بوده و او می‌تواند با توجه به وظایف و اهداف نظام اقتصاد اسلامی، در میزان و نحوه توزیع آنها، سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد انجام دهد.

۲. اولین اصل در توزیع منابع طبیعی رعایت مصالح عموم مسلمانان تأمین شود.

۳. برای تأمین مصالح و منافع عموم مردم، ممکن است نادیده گرفتن بخشی از حق‌ها ضرورت پیدا کند. در این صورت، بر اساس گفتار معصومان علیهم السلام باید نادیده گرفتن آن حق‌ها، موجب فراگیرتر شدن عدالت شود؛ حق‌های نادیده گرفته شده از آن خواص باشد و نادیده گرفتن آن حق‌ها، رضایت تعداد بیشتری از افراد را به دنبال داشته باشد.

۴. دومین اصل در توزیع منابع طبیعی برابری همه مردم در بهره‌برداری از منابع طبیعی و منافع آن است.

۵. از نگاه قرآنی و روایی، نابرابری و تمایز بر اساس تقوا نیز نه عامل تبعیض در برابر قانون، بلکه معیاری در تقسیم وظایف و وسیله‌ای برای نیل به اهداف عالی انسانی است.

۶. سومین اصل در توزیع منابع طبیعی تأمین عدالت اقتصادی است. توزیعی عادلانه است که طبق آن، هرکدام از ثروت‌های اولیه و ثانویه به گونه‌ای در جایگاه حقیقی خود دیده شوند. رعایت این اصل، رعایت حقوق نسل‌های آینده را به دنبال دارد.

۷. چهارمین اصل در توزیع منابع طبیعی، بهره‌برداری کارا

- بیروت، دارالعلم.
- سجادی، جعفر، ۱۳۶۲، **فرهنگ معارف اسلامی**، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- سیدامامی، کاوس، ۱۳۸۹، **اخلاق و محیط‌زیست**، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- صادقی، حسین و سعید فراهانی فرد، ۱۳۸۲، «محیط‌زیست از منظر دین و اقتصاد»، **اقتصاد اسلامی**، ش ۱۰، ص ۲۳-۵۲.
- صانعی، سیدمهدی، ۱۳۷۹، **انفال و آثار آن در اسلام**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۱۷ق، **اقتصادنا**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، **تهذیب الأحکام**، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عرفانی، علی نفی، ۱۳۸۹، **آثار اقتصادی توزیع منابع طبیعی در افغانستان با نگرش اسلامی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۴۲۱ق، **فقه سیاسی**، چ چهارم، تهران، امیرکبیر.
- عیوضلو، حسین، ۱۳۸۴، **عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی**، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ، ۱۳۹۰، «مفاهیم و معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در چهارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، در: **کتاب دومین نشست اندیشه‌های راهبردی عدالت**، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
- فاضل هرنندی، محیی‌الدین، ۱۳۷۶، **حریم در فقه شیعه**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- فراهانی فرد، سعید، ۱۳۸۹، **اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ، ۱۳۸۷، «دولت اسلامی و آرمان حفظ محیط‌زیست»، مشهد، همایش اقتصاد اسلامی.
- فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۱، **فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی**، تهران، البرز.
- قرباغیان، مرتضی، ۱۳۷۶، **فرهنگ اقتصاد و بازرگانی**، تهران، مؤسسه رسا.
- قلیچ، وهاب، ۱۳۸۹، **دولت اسلامی و نظام توزیع درآمد**، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، **الکافی**، قم، دارالحديث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۱۰ق، **بحارالانوار**، تهران، اسلامیه.
- محمدری شهبازی، محمد، ۱۳۸۵، **میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث.
- مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۶۲، **زمین در فقه اسلامی**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- میردی، سیاوش و علیرضا نوروزی، ۱۳۷۳، **فرهنگ اقتصادی**، تهران، مؤسسه کتاب پیشبرد.
- مشکینی، علی، ۱۴۰۷ق، **المنافع العامة: شرح للكتاب احیاء الموات من الشرايع**، قم، الهادی.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۰، **جامعه و تاریخ**، چ پنجم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ، ۱۳۸۴، **حقوق و سیاست در قرآن**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۰۲ق، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، مرکز کتاب لترجمة و النشر.
- مطهری، مرتضی، ۱۴۰۳ق، **بررسی اجمالی مبانی اقتصادی اسلام**، تهران، حکمت.
- معین، محمد، ۱۳۸۱، **فرهنگ فارسی**، تهران، معین.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، **کتاب البیع**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، ۱۳۸۲، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.